

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### آیات الولاية

آیه ۲- سوره مائده آیه ۵۵

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ

همانا منحصرأ ولی شما خداست و رسول او و کسانی که ایمان آورده اند، هم آنان که نماز به پا می دارند و زکات می دهند، درحالیکه در رکوع نمازند)،(ولاء و توالی ) به این معناست که دو چیز یا بیشتر حاصل شود که از یک جنس باشند بدون اینکه چیزی از غیر آن جنس حائل شود واستعارتا در معنای قربی استعمال می شود(قرب مکانی ، قرب نسبی ، قرب دوستی ، قرب حاصل از نصرت و یاری ، قرب از جهت اعتقادی ) و ولایت یعنی نصرت و تولی و سرپرستی امر و به عهده گرفتن کار، پس ولایت یک نوع قرب است که باعث و مجوز نوع خاصی از تصرف و مالکیت تدبیر می شود و به همین معنا حاکم ، ولی مردم است ، چون در بین آنها حکم می کند، حال هر قدر که منطقه حکومت او وسیعتر باشد ولایت او گسترده تر می باشد .

اما از سیاق آیه استفاده می شود که ولایت نسبت به خدا و رسول و مؤمنین به یک معنا می باشد، اما ولایت الهی به دو گونه است ۱ :- ولایت تکوینی (حقیقی )،خدا مالک مطلق همه مخلوقات و دارای قدرت تصرف در میان آنهاست و تدبیر امور خلق بدست اوست . ۲) - ولایت تشریحی یا اعتباری که به تشریح شریعت و هدایت و ارشاد و توفیق و امثال اینها از امور دینی مردم باز می گردد. و ولایت رسول ولایت تشریحی و قیام به شریعت و دعوت به دین و تربیت امت و حکومت بین آنان و قضاوت در میان آنهاست که همه اینها از شئون رسالت ایشان می باشد، پس همانگونه که اطاعت از خدا بدون قید و شرط واجب است ،اطاعت از رسول خدا(ص ) هم اطاعت از خداست و بدون قید و شرط بر همه مؤمنان واجب است .

اما ولایت مؤمنین مذکور در آیه نیز نظیر همین ولایت است ، چون با (واو)عاطفه بیان شده است و حصر موجود در (انما)حصر افراد است ، اما اوصاف ذکرشده برای مؤمنین در این آیه فقط با حضرت علی (ع ) تطبیق می کند، کما اینکه روایات بسیار من جمله در تفسیر کشاف شأن نزول این آیه را در زمانی می دانندکه حضرت علی (ع ) در مسجد در حال نماز بودند و سائلی نزد ایشان آمد و آن حضرت انگشتر خویش را در حال رکوع به سائل بخشیدند و رکوع حالت خضوع و ذلت آدمی را در برابر خداوند مجسم می سازد.

شیعیان این آیه را نص بر ولایت و خلافت امیرالمؤمنین (ع ) می دانند،زیراتنها اوست که در حالت رکوع انگشتر خود را به سائل بخشید. اما اهل تسنن می گویند این آیه نص در مورد ولایت حضرت نیست ، چون در اینجا معنای حقیقی رکوع مراد نیست ،بلکه مراد معنای مجازی آن یعنی خضوع در برابر عظمت پروردگار است ،یعنی مراد آیه اینست که ولی شما بیهود ونصاری نیستند، بلکه ولی شما خدا و رسول و مؤمنینی هستند که نماز بپای می دارند و زکات می دهند و در همه این حالات خاضعند، یا در حالی زکات می دهند که خودشان فقیر و تنگدستند(۲۱)، لیکن دقت دراطراف این آیه و آیات قبل و بعدش و نیز دقت در باره تمامی این سوره ما را به معنایی خلاف آنچه آنهاادعا کرده اند راهنمایی می کند.

اولا): اینها به قرینه سیاق ولایت را به معنای نصرت گرفته اند نه سرپرستی وتولی امر، درجواب می گوئیم ترتیب آیات به دست رسولخدا تنظیم نشده (بلکه در زمان خلیفه سوم انجام شده است )و در این مورد ولایت به معنای سرپرستی امر است . ثانيا): آیات قبل

از این آیه مؤمنین را از دوستی با کفار نهی می کند اما آیات بعد به پیامبر دستور می دهند اعمال زشت کفار و منافقین را به آنان گوشه‌زد نماید، پس غرض آنها متفاوت است باین حال چگونه بین این دو دسته وحدت سیاق هست ؟

ثالثا: (در تفسیر آیات ۵۸، ۵۷، ۵۶ و ۵۹ همین سوره خواهیم گفت : که کلمه ولایت در این آیات نمی شود به معنای نصرت باشد، زیرا با سیاق نمی سازد) بعضی اولیاء بعض (، آنها خود اولیای یکدیگرند) و یا جمله (ومن یتولهم فانه منهم) چون عقد نصرت و یاری باعث یکی شدن و الحاق نمی شود، بلکه این مودت و حب است باعث وحدت و یکی شدن می گردد . رابعا: معنی ندارد در این آیه بگوید پیامبر یاور مؤمنان است، بلکه منظور از ولایت، ولایت در تصرف و محبت باشد، به علاوه چنانکه گفتیم روایات بسیار از امامیه و خود اهل سنت هست که دلالت دارند بر اینکه این دو آیه در شأن حضرت علی (ع) نازل شده است، اما بعضی از مغرضین برای اینکه بگویند آیه در شأن آن جناب نیست خود را بسیار به تعب افکنده اند و هم در روایت مناقشه کرده اند و هم در گرداندن معنای ظاهر آیه خود را به تکلف افکنده اند (والله المستعان، علی مایصفون) (۲۲)، (خداوند در آنچه توصیف می کند یاور و مددکار است) (۲۳) .

خامسا: اما اینکه بعضی از اهل سنت به دلیل جمع بودن (الذین امنوا) آن را وصف حال امیرالمؤمنین (ع) نمی دانند، در پاسخ باید گفت : که فرق است بین اینکه لفظ جمع را بیاورند و اراده شخص واحد بکنند و بین اینکه قانونی کلی و عمومی بگذرانند و از آن بطور عموم خبر دهند، در صورتی که مضمون آن قانون جز یک نفر کسی نباشد و جز بر یک نفر منطبق نشود، آنچه در عرف سابقه ندارد، مورد اولی است، اما در مورد دومی در عرف و در لسان قرآن بسیار اتفاق افتاده و این مورد در این آیه هم واقع شده است.

منبع: تفسیر المیزان

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خواهران

<http://vufarhangi.whc.ir/>